

تجله فضایل و مناقب خلفای راشدین و اهل بیت پیامبر (ص) در اشعار سنایی



۲۵

تجله فضایل و مناقب خلفای راشدین و اهل بیت پیامبر (ص) در اشعار سنایی

• دوستعلی سنجولی

استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه زابل

doostalisanchooli@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۱۲

چکیده

حکیم سنایی غزنوی، یکی از شاعران متعهد و سنی مذهبی است که در آثار خویش عشق و ارادتش را به خاندان پیامبر (ص) و امامان شیعه بی‌پرده ابراز داشته است. او هم در کتاب حدیقة الحقیقه و هم در دیوان اشعارش، در کنار مدح برخی از صحابه و خلفای راشدین، بارها از فرزندان پیامبر (ص) و اولاد علی (ع)، در نهایت احترام، اصالت و تقدس یاد کرده است. در این مقاله با مطالعه آثار حکیم سنایی و منابع تاریخی، با روش توصیفی - تحلیلی، به بیان دیدگاه‌های سنایی درباره گوشه‌ای از فضایل اهل بیت (ع) و خلفای راشدین پرداخته شده است. سنایی با ابراز عشق و ارادت به اهل بیت (ع) و خلفای راشدین در عصری که تعصبات مذهبی امت اسلامی را آزار می‌داد، به گونه‌ای تلاش نموده تا با تبلیغ اندیشه تقریب بین مذاهب اسلامی از آفتها و آسیبهای تفرقه و تعصب مذهبی بکاهد.

کلیدواژه‌ها: سنایی غزنوی، اهل بیت پیامبر (ص)، خلفای راشدین، فضایل و مناقب.



مقدمه

براساس پژوهشهای تاریخی، شعر فارسی در حدود سه قرن بعد از اسلام متولد شد^۱ و در قرون چهارم و پنجم قمری، به شکوفایی رسید. شاعران فارسی زبان از همان آغاز تا کنون به مناسبتهای گوناگون به تکریم پیامبر(ص) و پیشوایان دین توجه داشته و به ویژه در ابتدای سخن خود، پس از حمد و ستایش خالق هستی بخش، به بزرگداشت و مدح پیامبر(ص) و اولیای دین پرداخته‌اند و گوشه‌ای از شخصیت والای آنها را در آثار خویش منعکس کرده و مدایح و مناقب آن حضرت و خاندان و اصحابش را زیور و زینت دیوان خود ساخته‌اند. البته، گاه این گونه ستایشها مخصوصاً ستایش از حضرت علی(ع) و فرزندان بزرگوارش، در دسرهایی را نیز برای آنها به همراه داشته است. به عنوان مثال علاقه فردوسی به خاندان عصمت و طهارت موجب شد که محمود غزنوی با مذهب و افکار او موافقت نداشته باشد:

مرا غمز کردند کان پر سخن / به مهر نبی و علی شد کهن^۲
در سرگذشت سنایی نیز می‌خوانیم که علمای غزنه با کتاب *حدیقة الحقیقه* مخالفت می‌کنند. شاید مخالفت آنها به دلیل اشعاری بوده که سنایی ضمن آن، بارها عقاید خود را در بزرگداشت حبّ آل علی(ع)، اظهار کرده است.

این شاعر و عارف بزرگ قرن پنجم و ششم قمری (۴۶۷-۵۲۹ق)، در روزگاری که تیرگی و تعصب در برخی از فرق و مذاهب اسلامی حکم فرما بود و برخی از متعصبان، برای دشنام و طعن و لعن یکدیگر محملی می‌تراشیدند، سخن از تولّای علی(ع) و فرزندان ایشان به میان آورده است:

مر مرا مدح مصطفی است غدی / جان من باد جانش را به فدای

آل او را به جان خریدارم / وز بدی خواه آل بیزارم
دوستدار رسول و آل ویم / زان که پیوسته در نوال ویم

۱. تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، ص ۱۶۵.

۲. شاهنامه، ص ۱۹.

گر بدست این عقیده و مذهب / هم بر این بد بداریم یا رب!^۳
یقیناً این گونه شعرها به قول دکتر شفیعی کدکنی در کتاب *تازیانه‌های سلوک*، مربوط به «قطب روشن شعر سنایی» است.^۴ در این دوره ترکان سلجوقی بر ایران سیطره داشته‌اند و دوره غلبه «اشاعره» و سخت‌گیرهای مذهبی آنان علیه «شیعه»، به ویژه «اسماعیلیه» بوده است.^۵ سنایی با وجود اینکه در چنین دوره‌ای می‌زیسته، خود را از تعصبات مذهبی بر کنار داشته و در کنار فضایل و مناقب خلفای راشدین، سخن از دوستی و محبت اهل بیت(ع) و ذکر فضایل و مناقب آنان به میان آورده است که در این مقاله به طرح و توضیح مواضع و دیدگاههای وحدت‌گرایانه این حکیم فرزانه و روشن ضمیر پرداخته می‌شود.

فضایل و مناقب خلفای راشدین

سنایی غزنوی از یک سو در جانب‌داری از فضایل و مناقب اهل بیت پیامبر(ص) و بزرگداشت فرزندان حضرت علی(ع) می‌کوشد و از سوی دیگر، از خلفای راشدین و اصحاب پیامبر(ص) به نیکی یاد کرده و اشعاری درباره فضایل و مناقب آنان سروده است:

باد بدرود دین و شرع رسول / گشت پیدا به جای فضل و فضول

باد بدرود صدق بوبکری / فارغ از عیب و ریب و پرمکری

باد بدرود هیبت عمری / منهزم گشته جمع دیو و پری
باد بدرود سیرت عثمان / آن که او بود مرتّب قرآن
باد بدرود زخم تیغ علی / آن که او را خدای خواند ولی

و آن گزیده جماعت اصحاب / همه در راه دین اولوالالباب

و آن ستوده مهاجر و انصار / همه در راه شرع نیکوکار
و اهل صفّه موافقان رسول / همه فارغ ز عیب و ریب

۳. حدیقة الحقیقه و شریعة الطریقه، ص ۷۴۶.

۴. تازیانه‌های سلوک، صص ۲۵-۳۴.

۵. «بازتاب اندیشه‌های کلامی شیعه در آثار سنایی غزنوی»، ص ۸.

و فضول.^۶

حکیم سنایی به کسانی که مدعی پیروی از خلفای راشدین هستند و براساس سیرت آن بزرگواران عمل نمی‌کنند، یادآوری می‌کند:

ور پی بوبکر خواهی رفت بعد از مصطفی / پای بر دندان مار و دست بر دینار کو

ور بکوی عمری کو داد و کو مشک و مهار / یک دراعه هفده من ده سال یک دستار کو

ور در عثمان گرفتی شرم کو و حلم کو / دیده روشن ز دین و سینه بیدار کو

ور همی گویی که هستم چاکر شیر خدای / تن فدای تیغ و جان در خدمت دادار کو.^۷

سنایی در مورد اختلافاتی که بر سر مسئله خلافت بین شیعه و اهل سنت وجود دارد، توصیه می‌نماید

که مسلمانان باید هوی و هوس را کنار بگذارند و مصلحت اسلام را در نظر بگیرند. وی سفارش می‌کند

که روش علی(ع) را در برخورد با ابوبکر سرلوحه کار خود قرار دهند و از جنگ و جدال پرهیزند و

به اختلافات دامن نزنند. او کسانی را که به چنین اختلافاتی دامن می‌زنند، فضول می‌داند و به آنها

هشدار می‌دهد:

مصلحت بود آنچه کرد علی / تو چرا سال و ماه پرجدلی

مکر و کبر و هوی برون انداز / تا دهد جانش مر ترا آواز

بود بوبکر با علی همراه / تو زبان فضول کن کوتاه آفرین خدای بی‌همتا / بر ابوبکر باد و شیر خدا.^۸

سنایی پس از بیان ذکر فضایل ابوبکر، احساس خود را به او چنین ابراز می‌کند:

صد هزاران ترحم و رضوان / از سنایی به جان او برسان.^۹

سنایی در فصلی پس از ستایش ابوبکر، به ذکر فضایل عمر بن خطاب پرداخته است و بر عدل و دادگری و صداقت او تأکید و از وی با لقب فاروق یاد می‌کند که هلال دین در وقت او کامل می‌شود:

بود عدل عمر ز بی مگری / آینه صدق روی بوبکری کان اسلام و زین ایمان بود / صدق او عقل و عدل را کان بود

دین بوقت عتیق بود هلال / پس به فاروق یافت عز و کمال.^{۱۰}

سنایی فضایل عثمان بن عفان را تحت عنوان «ستایش عثمان» آورده است و به وصف صفات و ویژگیهای او از جمله شرم و حیای وی می‌پردازد:

آن که بر جای مصطفی بنشست / بر لبش شرم راه خطبه بیست.^{۱۱}

مصراع دوم اشاره دارد به آنچه در بعضی کتب تاریخ در شرح حال عثمان نوشته‌اند: «اول جمعه‌ای که او

به خلافت نشست، بر منبر برآمد که خطبه‌ای ادا کند، زبانش گرفت.»^{۱۲} سنایی گرفتن زبان عثمان را دلیل

بر حیا و شرم وی می‌داند؛ یعنی از اینکه در جای پیامبر(ص) قرار گرفته تا به جای او خطبه بخواند، حیا می‌نماید.

فضایل و مناقب علی بن ابی طالب(ع)

حکیم سنایی فضایل امام علی(ع) را تحت عنوان «ستایش امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(ع)» شروع می‌کند و از آن حضرت به عنوان همسر بتول، پسر

عموی رسول خدا(ص)، پدر امام حسن و امام حسین(ع)، یاد می‌نماید و می‌گوید که ایشان جنگجو

و حمله کننده‌ای است که هیچ وقت فرار و پشت به دشمن نمی‌کند و بر لشکر بسیار، پیروز و سرور و آقای مهاجران و انصار است.

سپس با بیان آیات و احادیثی در وصف آن حضرت،

۶. حدیقة الحقیقة و شریعة الطریفة، ص ۶۴۲.

۷. دیوان سنایی غزنوی، ص ۵۷۳.

۸. همان، ص ۲۳۳.

۹. همان، ص ۲۲۹.

۱۰. همان، ص ۲۳۴.

۱۱. همان.

۱۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۶۴.





به مدح و ستایش ایشان می‌پردازد. وی از پیامبر(ص) نقل می‌کند که فرموده است: «انا مدینه العلم و علی بابها»^{۱۳} حضرت رسول(ص) بارها در احادیث تأکید ورزیده که علی(ع) دروازه علم نبوی و نسبت به هر چیزی در جهان خلقت، عالم و آگاه است. امام خودش در مواضع متعدد از فزونی علم خود خبر داده است، چنان که گاهی دست بر شکم خود می‌نهاد و به علم فراوانی که در سینه داشت، اشاره می‌کرد.^{۱۴} سنایی بارها در آثارش به علم و دانش فراوان آن حضرت اشاره نموده است:

آن ز فضل آفت سرای فضول / آن علم‌دار و علم‌دار رسول

آن سرافیل سرفراز از علم / ملک‌الموت دیو آز از حلم

آن فدا کرده از ره تسلیم / هم پدر هم پسر چو ابراهیم
آن که در شرع تاج دین او بود / و آن که تاراج کفر و کین او بود.

سنایی در ادامه از ازدواج علی(ع) با دختر پیامبر(ص) سخن می‌گوید و آن را موجب شادی و خوشحالی پیامبر(ص) و حضرت زهرا(س) می‌داند؛ چون تنها آن حضرت لیاقت و شایستگی همسری با حضرت زهرا(س) را داشت:

مصطفی چشم روشن از رویش / شاد زهرا چو گشت وی شویش.^{۱۵}

سنایی در ادامه به غزوه خیبر اشاره می‌کند که با رشادتهای علی(ع)، پیروزی نصیب مسلمانان گشت. در جنگ خیبر، پس از ناکامی برخی از اصحاب در فتح قلعه خیبر، پیامبر(ص) فرمود: «فردا پرچم را به دست کسی خواهم داد که خدا و رسولش را دوست دارد، همان‌طور که خدا و رسول، او را دوست دارند، و خداوند به دست او مسلمانان را به پیروزی می‌رساند، بی‌دریپی حمله می‌کند، بدون

۱۳. حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه، ص ۲۴۴.

۱۴. «تجلی فضایل علی(ع) در دیوان صاحب بن عباد»، ص ۲۳.

۱۵. حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه، ص ۲۴۴.

فرار و عقب‌نشینی است»^{۱۶} فردای آن روز پرچم را به علی(ع) سپرد. فتح نمایان آن حضرت در کانون توطئه یهودیان زبانزد خاص و عام است.^{۱۷}

خیبر از تیغ او خراب شده / سر آتش همه سراب شده. وی سپس به این امر اشاره دارد که کارها و افعالی که به دست علی(ع) انجام می‌گرفته، خدایی بوده است: و آن که را زد به ضرب دین آرای / نام بر دستش و زنده خدای.^{۱۸}

بیت فوق اشاره به این مطلب دارد که خداوند می‌فرماید: «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى»^{۱۹} «تیری که افکندی اگرچه از دست تو رها شد و لیکن به حقیقت زنده آن خدا بود». مقصود آن است که همه کارها به دست خدا و فاعل حقیقی تمام افعال بندگان، خدا است. حکیم سنایی در مقام مدح و ستایش علی(ع)، حتی شجاعت آن حضرت را خدایی می‌داند و معتقد است که با قدرت بشری انجام چنین اموری غیر ممکن است. شاید منظور سنایی نفی تهمت از علی(ع) باشد، بدین معنی که افعال او همه کرده خدا بود، نه گفته هوی، و آنچه می‌کرد به امر خدا بود، نه به هوای نفس، برخلاف عقیده مبغضان.^{۲۰}

آمد از سدره جبرئیل امین / لافتی کرد مرو را تلقین
آوریدش به نزد پیغمبر / گفت کاین هست بابت حیدر.^{۲۱}

مدرس رضوی در شرح این ابیات آورده که در مسند احمد بن حنبل، صحاح سته، مناقب خوارزمی و فصول المهمه ابن جوزی، به چند طریق نقل شده است که در روز احد، پس از غلبه کفار، کسی به غیر از علی(ع) و چند تن از یاران پیغمبر، با ایشان نماند و همگی فرار کردند و ایشان از رسول دفع دشمن می‌کرد و به هر طرف که حمله می‌نمود، کفار را به

۱۶. المغازی، ج ۲، صص ۶۵۳ و ۶۵۴.

۱۷. تاریخ تحلیلی صدر اسلام، ص ۲۱۷.

۱۸. حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه، ص ۲۴۵.

۱۹. انفال، ۱۷.

۲۰. تعلیقات حدیقه الحقیقه، ص ۳۶۳.

۲۱. حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه، ص ۲۴۷.



خاک خواری و هلاکت می‌انداخت. در آن گیرودار شمشیر علی (ع) شکست و پیامبر (ص)، ذوالفقار را به او داد و او به دفع دشمنان پرداخت. در این وقت جبرئیل نازل شد و گفت: یا رسول الله، ملائکه همه از هواداری و یاری علی (ع) که امروز با تو کرد و می‌کند، در تعجب هستند. آن حضرت فرمود: «علی منی و انا منه» و در آن روز از صبح تا شام از میان زمین و آسمان صدای «لافتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار» به گوش می‌رسید.^{۲۲} ذوالفقاری که از بهشت خدای / بفرستاده بود شرک زدای.^{۲۳}

در جایی دیگر درباره ایمان و یقین حضرت علی (ع) می‌گوید:

تا بدان حد شده مکرم بود / لو کشف مرو را مسلم بود مصطفی را مطیع و فرمان بر / همه بشنیده رمز دین یکسر.^{۲۴}

مصرع دوم بیت اول اشاره به سخن علی (ع) دارد که فرمود: «اگر پرده برطرف شود، یقین من زیاده نگرده».^{۲۵}

از پی سائلی به یک دو رغیف / سورت هل آتی ورا تشریف.^{۲۶}

این بیت اشاره به آیه «وَيُؤْفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَتْ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا»^{۲۷} «آنها به نذر خود وفا می‌کنند، و از روزی که شر و عذابش گسترده است، می‌ترسند و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند». عامه مفسران و اهل خبر اتفاق دارند که این آیات در حق امیرالمؤمنین علی (ع)، فاطمه (س)، حسن و حسین (ع) و کنیزک

ایشان، نازل شده است.^{۲۸} در قیام و قعود عود او کرد / در رکوع و سجود جود او کرد خاتم اینجا بداد بر در راز / ملک آنجا عوض ستد با ناز.^{۲۹}

این ابیات نیز اشاره دارد به آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»^{۳۰} «سرپرست و ولی شما تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند، همانها که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند».

در همان ابتدا رسول خدا (ص) بین مهاجران و انصار پیمان برادری بست که در آن پیمان نوعی هماهنگی و تناسب افراد با یکدیگر از نظر ایمان، فضیلت و شخصیت اسلامی رعایت شده بود. پیامبر (ص)، علی (ع) را به برادری خویش برگزید و بدین ترتیب حدیث منزلت را به کمال رساند.^{۳۱} سنایی در این بیت به این مسئله اشاره کرده است:

با ثریا ثری برابر شد / چون علی با نبی برادر شد.^{۳۲} بدیهی است که تأکید حکیم سنایی بر فضایل و مناقب خلفای راشدین و اهل بیت (ع)، تأکید بر نقاط مشترک باورها و عقاید فرق و مذاهب اسلامی است و بدون شک هدف آن عالم و متفکر اسلامی نزدیک کردن مسلمانان براساس مشترکات اعتقادی هم بوده است که از دامن زدن به باورهای اختلاف برانگیز و تفرقه‌انداز خودداری نموده است. این امر نیاز اساسی همه مسلمانان در هر دوره و زمانی می‌باشد.

فضایل و مناقب اهل بیت پیامبر (ص)

سنایی از اهل بیت رسول خدا (ص)، تحت عناوین آل

۲۲. رک: تعلیقات حدیقه الحقیقه، ص ۳۶۳.

۲۳. حدیقه الحدیقه و شریعه الطریقه، ص ۲۴۷.

۲۴. همان، ص ۲۴۹.

۲۵. تعلیقات حدیقه الحقیقه، ص ۳۷۲.

۲۶. حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، ص ۲۵۰.

۲۷. دهر، ۸۷.

۲۸. رک: تعلیقات حدیقه الحقیقه، ص ۳۷۶.

۲۹. حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، ص ۲۵۳.

۳۰. مآنده، ۵۵.

۳۱. تاریخ تحلیلی صدر اسلام، ص ۲۱۶.

۳۲. حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، ص ۲۵۰.



یاسین، آل رسول و آل عبا در اشعارش یاد کرده و از خداوند می‌خواهد که به خاطر پیامبر(ص) و اهل بیت ایشان، عشق، ارادت، سپاس و ستایش آنان را، از وی قبول نماید:

به حق مصطفی و آل رسول/ که کنی این سخن ز بنده قبول.^{۳۳}

ایشان در جایی از حضرت علی(ع) به عنوان شرف شرع و قاضی دین و صدف مروارید خاندان پیامبر(ص) یاد می‌کند:

شرف شرع و قاضی دین او/ صدف در آل یاسین او.^{۳۴}

وی خطاب به خویش می‌گوید:

بندگی کن آل یاسین را به جان تا روز حشر/ همچو بی‌دینان نباید روی اصراف داشتن زیور دیوان خود ساز این مناقب را از آنک/ چاره نبود نوعروسان را ز زیور داشتن.^{۳۵}

سنایی به ماجرای مباحله و حضور اهل بیت پیامبر(ص)، در آن واقعه مهم اشاره دارد:

مرتضایی که کرد یزدانش/ همراه جان مصطفی جانش.^{۳۶}

خداوند به پیامبر اکرم(ص) فرموده است: «هرگاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجّه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: بپایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود، آن‌گاه مباحله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.»^{۳۷} در این آیه از علی(ع) به عنوان نفس و جان پیامبر(ص) تعبیر شده است. در این ماجرا رسول خدا(ص) در حالی که

حضرت حسین(ع) را در آغوش و دست حسن(ع) را در دست داشت و فاطمه(س) و علی(ع) پشت سرش حرکت می‌کردند، به میدان مباحله با هیئت مسیحیان نجران گام نهاد.^{۳۸} حکیم سنایی در بیت فوق به این آیه شریفه و ماجرای مباحله اشاره کرده و از علی(ع) به عنوان نفس و جان پیامبر(ص) یاد نموده است.

سنایی معتقد است که ازدواج حضرت علی(ع) و فاطمه(س) با دستور خداوند صورت گرفته و عقد و نکاح آنان در آسمان و در زیر سایه درخت طوبی انجام گرفته است:

عقد او با بتول در سلوی/ بود در زیر سایه طوبی.^{۳۹}

سنایی حضرت فاطمه(س) را بهترین زنان عالم توصیف نموده است:

سراسر جمله عالم پر زنانند/ زنی چون فاطمه خیرالنسا کو.^{۴۰}

ایشان در جای دیگر نیز با ذکر اشعاری ارادت و عشق خود را به علی(ع) و فرزندان او و بیان فضایل آنان چنین نشان می‌دهد:

جز کتاب الله و عترت ز احمد مرسل نماند/ یادگاری کان توان تا روز محشر داشتن

از گذشت مصطفای مجتبی جز مرتضی/ عالم دین را نیارد کس معمر داشتن

از پی سلطان دین پس چون روا داری همی/ جز علی و عترتش محراب و منبر داشتن

گر همی خواهی که چون مهرت بود مهرت قبول/ مهر حیدر بابدت با جان برابر داشتن

هشت بستان را کجا هرگز توانی یافتن/ جز به حب حیدر و شبیر و شبیر داشتن.^{۴۱}

حکیم سنایی در این ابیات به لزوم وحدت میان مسلمانان اشاره کرده است؛ زیرا خداوند متعال همگان را به تمسک به ریسمان الهی دعوت نموده

۳۳. همان، ص ۶۴۵.

۳۴. همان، ص ۲۴۸.

۳۵. دیوان سنایی غزنوی، ص ۴۷۱.

۳۶. حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، ص ۲۵۰.

۳۷. آل عمران، ۶۱.

۳۸. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۸۲.

۳۹. حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، ص ۲۵۵.

۴۰. دیوان سنایی غزنوی، ص ۵۷۱.

۴۱. حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، ص ۴۷۰.

است: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا».^{۴۲} بدون شک منظور از «حبل الهی» دین خدا است که از عقاید، اخلاق و احکام تشکیل شده و در قرآن و عترت ظهور کرده است و آن دو، بیان تفصیلی رسول الله (ص) هستند. سنایی ضمن اشاره به حدیث متواتر و معتبر «تقلین» که پیامبر بزرگوار اسلام (ص) می‌فرماید: «مردم، من دو چیز نفیس و گران‌مایه در میان شما می‌گذارم؛ ببینم چگونه با دو یادگار من رفتار می‌نمایید؟ یکی کتاب خدا که یک طرف آن در دست خدا، و طرف دیگر آن در دست شما است، و دیگری عترت و اهل بیت من. خداوند به من خبر داده که این دو یادگار، هرگز از هم جدا نخواهند شد».^{۴۳} این حدیث در صحیح مسلم، سنن ترمذی و مسند احمد بن حنبل ذکر شده است.^{۴۴}

سنایی همانند بسیاری بر این باور است که امت اسلامی باید تا روز قیامت به آن دو یادگار پیامبر (ص) چنگ بزنند، تا به وسیله این دو حبل جدایی‌ناپذیر بتوانند به سعادت دنیا و آخرت نائل شوند. این عارف بزرگ به حب حیدر و شبیر و شبیر نیز اشاره نموده که شبیر نام امام حسن (ع) و شبیر نام امام حسین (ع) است که نامهای فرزندان هارون برادر حضرت موسی (ع) بودند و پیامبر (ص) این نامها را بر حسن و حسین (ع) گذاشت.^{۴۵}

حکیم سنایی ضمن بیان فضایل اهل بیت (ع)، تحصیل بهشت و خلود در آن را تنها در سایه دوستی علی (ع) و فرزندان امام حسن (ع) و امام حسین (ع) می‌داند و این امر گویای تولد به آنان و تبرّاً از دشمنان آنها است.

شخصیت والا و سیره انسانی و اخلاقی امام حسن (ع) همواره در کانون توجه سنایی غزنوی بوده است. او از کسانی است که بر تاریخ زندگی پیامبر (ص) و

خاندان گرامیش اشراف کامل دارد. در منابع تاریخی آمده است که پیامبر بزرگوار اسلام (ص) درباره امام حسن (ع) فرموده است: «حسن گل خوشبویی است که من از دنیا برگرفته‌ام».^{۴۶}

امام حسن (ع)، در جود و کرم به پیامبر خدا (ص) شباهت داشت. آن حضرت دوبار، تمام دارایی خویش را در راه خدا داد و سه بار تمام اموال خود را با خدا تقسیم کرد و نصف اموال را به مستمندان و فقرا بخشید.^{۴۷} آری امام حسن (ع) در بذل و بخشش و دستگیری از بیچارگان و محرومان سرآمد روزگار خویش و آرام‌بخش دل‌های دردمند و امید بی‌پناهان و درماندگان بود. پیش از آنکه مستمندی ابراز نیاز کند و عرق شرم بریزد، آن حضرت احتیاج وی را برطرف می‌کرد. درباره جود و کرم از ایشان پرسیدند، آن حضرت فرمود: «بخشیدن قبل از درخواست و سؤال و اطعام در هنگام تنگ‌دستی و سختی».^{۴۸}

برخی نوشته‌اند که او سرور جوانان بهشت و یکی از دو نفری است که دودمان پیامبر (ص) منحصرأ از نسل آنان به وجود آمد و یکی از چهار نفری است که رسول خدا با آنان به مباحله نصارای نجران حاضر شد. یکی از پنج نفر اصحاب کساء و یکی از دوازده نفری است که خدا فرمان‌برداری آنان را بر بندگان خود واجب کرده است. او یکی از کسانی است که در قرآن کریم پاک و منزّه از پلیدی معرفی شده و یکی از کسانی است که خدا دوستی آنان را پاداش رسالت پیامبر (ص) دانسته، یکی از آنان که رسول اکرم (ص) ایشان را هم‌وزن قرآن و یکی از دو دستاویز گران‌وزن قرار داده است. او ریحانه رسول خدا (ص) و محبوب او است و آن کسی است که پیامبر (ص) دعا می‌کرد خداوند دوستدار او را دوست بدارد.^{۴۹}

سنایی غزنوی نیز در کتاب ارزشمند *حديقة الحقیقه* و

۴۲. آل عمران، ۱۰۳.

۴۳. فروغ‌ابدیت، ج ۲، ص ۴۷۴.

۴۴. امام‌شناسی، صص ۸۵ و ۸۶.

۴۵. الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ص ۳۸۵.

۴۶. همان، ص ۳۸۶.

۴۷. تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۲۲۷.

۴۸. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۹۸.

۴۹. صلح امام حسن (ع)، ص ۲۱.





شریعة الطریقه به بیان مناقب و فضایل امام حسن(ع) می‌پردازد و معتقد است: یاد امام حسن(ع) حزن و اندوه را از دل انسان دور می‌کند. او کسی است که از گیسوانش بوی علی(ع) می‌آید. قره العین مصطفی، سید القوم اصفیا، خلف به حق انبیا، جگر و جان علی(ع) و زهرا(س)، دیده و دل حبیب و مولی، همچون بهار بر وضع و شریف، منصف، خوب‌رو، پاک، لطیف، فلک جامه کوه زهره دواج، و قمر تخت مهر پروین تاج است. امام حسن(ع) کسی است که نشانه‌های صدق و مهتری در وجودش نمایان است و همچون پیامبر بزرگوار(ص) که خداوند درباره او فرموده است: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»^{۵۰} «و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری»، دارای خلق عظیم می‌باشد:

ای سنایی بگوی خوب سخن / در ثنای گزیده میر حسن
قره العین مصطفای گزین / شاه اسلام و شرع و خسرو دین

بوعلی آن که در مشام ولی / آید از گیسوانش بوی علی

قره العین مصطفی او بود / سید القوم اصفیا او بود
آن چنان در در آن صدف او بود / انبیا را به حق خلف او بود
جگر و جان علی و زهرا را / دیده و دل حبیب و مولی را

چون بهار است بر وضع و شریف / منصف و خوب‌رو و پاک و لطیف
فلک جامه کوه زهره دواج / قمر تخت مهر پروین تاج

در سیادت شرف مؤید اوست / در رسالت رسول و سید اوست
نسبش در سیادت از سلطان / حسبش در سعادت از یزدان

چون علی در نیابت نبوی / کوثر داعی و عدو داعی
نامه دوست حاکی دل اوست / دوست را چیست به ز نامه دوست؟

منهج صدق در دلایل او / مهتری زنده در مخایل او
بود مانند جد به خلق عظیم / پاک علق و نفیس عرق و کریم

فلذه‌ای بود از دل زهرا / جده او خدیجه کبری.^{۵۱}
توصیفات سنایی از امام حسن(ع) با آنچه مورخان و راویان در خصوص آن امام(ع) نقل کرده‌اند، مطابقت دارد و این امر نشان‌دهنده دانش همه‌جانبه ایشان، به ویژه در زمینه تاریخ اسلام و مذاهب اسلامی بوده است. برخی بر این باورند: «پیشوای دوم، نه تنها از نظر علم، تقوی، زهد و عبادت، مقامی برگزیده و ممتاز داشت، بلکه از لحاظ بذل و بخشش و دستگیری از بیچارگان و درماندگان نیز در عصر خود زبانزد خاص و عام بود. وجود گرمی آن حضرت آرام‌بخش دل‌های دردمند، پناهگاه مستمندان و تهیدستان، و نقطه امید درماندگان بود».^{۵۲}

سنایی در حدیقه، فصلی را به بیان مناقب امام حسین(ع) اختصاص داده و در سرآغاز آن یادآور شده است: «ذَكَرُ الْحُسَيْنِ بُضِي الْعَيْنِ سُلَالَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَوَلَدُ الْأَصْفِيَاءِ وَالْأَوْلِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ وَشَهِيدُ الْكَرْبَلَاءِ وَقُرَّةُ عَيْنِ الْمُصْطَفَى، بَضْعَةُ الْمُرْتَضَى وَكَبِدُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَعَنْ وَالِدِيهِ».^{۵۳} سنایی بر این باور است که یاد امام موجب روشنی چشم می‌شود. وی از امام با صفات «سلاله انبیا، فرزند اصفیا و اولیا و اوصیا، شهید کربلا، قره العین مصطفی، پاره تن مرتضی و جگرگوشه حضرت فاطمه زهرا» یاد می‌کند.

امام حسین(ع) پسر علی مرتضی(ع) است؛ همان کسی که کردار و گفتار و اندیشه‌هایش همیشه نور ایمان و حقیقت و دادگری می‌افشاند و شخص را

۵۱. حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه، صص ۲۶۲ و ۲۶۳.

۵۲. سیره پیشوایان، ص ۸۸.

۵۳. حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه، ص ۲۶۶.



ایشان امام حسین (ع) را سرور شهیدان عالم می‌داند و می‌گوید:

سراسر جمله عالم پر شهید است / شهیدی چون حسین کربلا کو.^{۵۵}

حکیم سنایی در آثارش علاوه بر مدح و ستایش اهل بیت پیامبر (ص)، به ذکر فضایل اولاد علی (ع)، از جمله امام صادق (ع)، امام رضا (ع) و حضرت مهدی (عج) اشاره نموده و عشق و ارادت خویش را به آن بزرگواران نشان داده است. وی می‌گوید اگر خود را مؤمن می‌شماری، به مذهب جعفری باور داشته باش:

گر همی مؤمن شماری خویشتن را بایدت / مهر زر جعفری بر دین جعفر داشتن.^{۵۶}

گرد جعفر گرد گر دین جعفری جویی همی / زانکه نبود هر دو هم دینار و هم دین جعفری.^{۵۷}

از آنجا که بیشتر احادیث فقهی شیعه از امام جعفر صادق (ع) روایت شده است، به همین دلیل فقه شیعه را «فقه جعفری» گفته‌اند و مذهب او را نیز «مذهب جعفری» نامیده‌اند.^{۵۸}

سنایی در مدح و ستایش امام رضا (ع) نیز می‌گوید: دین را حرمیست در خراسان / دشوار ترا به محشر آسان

از معجزه‌های شرع احمد / از حجت‌های دین یزدان همواره رهش مسیر حاجت / پیوسته درش مشیر غفران

چون کعبه پر آدمی ز هر جای / چون عرش پر از فرشته هزمان.^{۵۹}

سنایی درباره حضرت مهدی (عج) و ظهورش می‌گوید:

ای به دم جفت عیسی مریم / دام دجال بر کن از عالم

از این دنیای فرودین برمی‌گیرد و به عالمی می‌برد سرشار از روشنایی و پاکی و راستی و آزادگی و زیبایی. او کسی است که از حیث خُلق و خُلُق شبیه پدرش حضرت علی (ع) و پیامبر اسلام (ص) است. پیامبر اسلام (ص) او را بر دوش خود حمل می‌کرده است. حضرت فاطمه زهرا (س) به دیدار او انس می‌گرفته و شاد می‌شده است. همچنین سنایی در حدیقه از آن حضرت با صفات «تقی اصل، تقی فرع، زکی تخم، بهی زرع، جوهر نبی از بحر جلال، و جمال یافته از کمال صدق» یاد می‌کند. او درّی از بحر مصطفی است که صدف آن پشت مرتضی، و جبرئیل مهد جنبانش بوده است. امام حسین (ع) سروی از جویبار هدایت است که تاج بر سر و دواج در بر و عبا بر دوش داشت:

پسر مرتضی امیر حسین / که چنوبی نبود در کونین خُلق او همچو خلق پاک پدر / خُلق او همچو خلق پیغمبر

مصطفی مرو را کشیده به دوش / مرتضی پروریده در آغوش

بر رخس انس یافته زهرا / کرده بر جاننش سال و ماه دعا

باز داند همی بصیرت او / شجره هرکسی ز سیرت او هم تقی اصل و هم تقی فرعست / هم زکی تخم و هم بهی زرعست

نبوی جوهری ز بحر جلال / یافته از کمال صدق جمال

به سر و روی و سینه در دیدار / راست مانند احمد مختار

درّی از بحر مصطفی بوده / صدفش پشت مرتضی بوده

عقل در بند عهد و پیمانش / بوده جبرئیل مهد جنبانش بود او سرو جویبار هدی / سرو با تاج و با دواج و ردا.^{۵۴}

۵۵. دیوان سنایی غزنوی، ص ۵۷۱.

۵۶. همان، ص ۴۷۰.

۵۷. همان، ص ۶۵۵.

۵۸. سیر کلام در فرق اسلام، ص ۱۴۰.

۵۹. دیوان سنایی غزنوی، ص ۴۵۱.

۵۴. همان، صص ۲۶۶ و ۲۶۷.



اندر این روزگار بد عهدی / چیست جز عدل هدیه مهدی.^{۶۰}

ای دریغا مهدیی کامروز از هر گوشه‌ای / یک جهان دجال عالم‌سوز سر بر کرده‌اند.^{۶۱}
وی انتظار خودش را از ظهور حضرت مهدی (عج) چنین ابراز می‌دارد:

همیشه منتظرم هدیه هدایت را / ولیک مهدی در مهد نیست منتظرم.^{۶۲}

اهل سنت و شیعه امامیه به علائم آخرالزمان همچون خروج دجال، دابة الارض، یأجوج و مأجوج، فرود آمدن عیسی (ع) از آسمان، طلوع آفتاب از مغرب و ظهور حضرت مهدی (عج) معتقدند.^{۶۳}

سنایی در برخی از اشعارش به خروج دجال و ظهور حضرت عیسی (ع) و حضرت مهدی (عج) در آخرالزمان نیز اشاره دارد:

گر مخالف خواهی ای مهدی درآ از آسمان / و موافق خواهی ای دجال یکره سر بر آر.^{۶۴}
مال را دجال دان و عشق را عیسی شناس / چون شدی از خیل عیسی گردن دجال زن.^{۶۵}

نتیجه‌گیری

۱. خط مشی انبیا ایجاد اتحاد و همبستگی بین مؤمنان و حرکت به سوی تأسیس امت واحده بوده است. علمای دین و مصلحان جوامع اسلامی که وارثان انبیا محسوب می‌شوند، همان راه انبیا را پیموده و فرق اسلامی را به وحدت و یکپارچگی در برابر دشمنان دین اسلام فراخوانده و تلاش نموده‌اند تا از تعصبات مذهبی که یکی از آفت‌های وحدت و تقریب بین مذاهب اسلامی است، بکاهند.

۲. حکیم سنایی یکی از متفکران و اندیشمندان حقیقت‌طلبی است که از ابراز ارادت خود نسبت به خاندان پیامبر (ص) و خلفای راشدین و صحابه بزرگوار رسول اکرم (ص) دریغ نورزیده است. او به دلیل عشق و ارادت خاصی که نسبت به پیامبر (ص) و خاندان مطهرش دارد، از زندگی، سیرت، فضایل و مناقب آن حضرت و عترتش، بارها و بارها در اشعار خود یاد کرده است.

۳. از مجموع سخنان سنایی در خصوص خاندان پیامبر (ص) می‌توان چنین استنباط نمود که وی هرچند مثل اغلب مردم خراسان آن روزگار مذهب حنفی داشته، اما مثل بیشتر اهل سنت، علاقه و ارادت خویش را به آل علی (ع) پیوسته در شعر خود اعلام می‌دارد.

۴. سنایی با ذکر فضایل و مناقب خلفای راشدین و بزرگان مهاجر و انصار و اهل بیت پیامبر (ص) در صد است تا در روزگارش که تعصبات مذهبی میان فرق و مذاهب اسلامی پدید آمده و خسارات جبران‌ناپذیر سیاسی و مذهبی بر مسلمانان وارد ساخته، وحدت و همبستگی به وجود آورده و امت اسلامی را از اختلافات نابجا و تعصبات کورکورانه دور نماید، تا همه به حبل الهی که دین اسلام است، چنگ بزنند و در مقابل دشمنان اسلام ید واحده باشند.

۵. این عارف و حکیم فرزانه مانند یک سنی متعصب و یا یک شیعه عامی به مسائل مذهبی نپرداخته و در پی اعتقادی بوده است که ثمره آن عزت و عظمت اسلام و امت اسلامی باشد.

۶۰. حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه، ص ۵۸۱.

۶۱. دیوان سنایی غزنوی، ص ۱۵۰.

۶۲. همان، ص ۳۷۰.

۶۳. سیرکلام در فرق اسلام، ص ۲۸۵.

۶۴. دیوان سنایی غزنوی، ص ۱۸۴.

۶۵. همان، ص ۹۷۴.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- آل یاسین، راضی، صلح امام حسن (ع)، ترجمه سید علی خامنه‌ای، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
- ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن محمد، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ ق.
- اسدالهی، خدابخش، «بازتاب اندیشه‌های کلامی شیعه در آثار سنایی غزنوی»، فصلنامه آینه معرفت، ۱۳۸۶ ش.
- پیرانی شال، علی، «تجلی فضایل علی (ع) در دیوان صاحب بن عباد»، فصلنامه فروغ وحدت، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۸۸ ش.
- پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان (نگرشی بر زندگانی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی امامان معصوم)، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۸۳ ش.
- رضوی، مدرس، تعلیقات حدیقه الحقیقه، بی‌جا، مؤسسه مطبوعاتی علمی، بی‌تا.
- سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم، حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه، تصحیح: مدرس رضوی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ ش.
- همو، دیوان سنایی غزنوی، تحقیق: مدرس رضوی، بی‌جا، سنایی، بی‌تا.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، تازیانه‌های سلوک (نقد و تحلیل چند قصیده از حکیم سنایی)، تهران، آگه، ۱۳۷۲ ش.
- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۶ ش.
- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، تهران، جاویدان، ۱۳۷۰ ش.
- کاشفی، محمدرضا؛ و شاکرین، حمیدرضا، امام‌شناسی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵ ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ترجمه موسی خسروی، تهران، کتاب‌فروشی اسلامی، بی‌تا.
- مشکور، محمدجواد، سیر کلام در فرق اسلام، بی‌جا، شرق، ۱۳۶۸ ش.
- نصیری، محمد، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۱ ش.
- واقدی، محمد بن عمر، المغازی، تحقیق: مارسدن جونس، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۹ ق.
- یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دارصادر، بی‌تا.

